



نهج البلاغه تجسّدی از آموزه های حیات بخش اسلام / سند جایگاه امامت

بازخوانی نهج البلاغه به خوبی نشان می دهد که آن چه شیعه درباره تاریخ و هویت خود معتقد است، درست همان چیزی است که در این کتاب و از زبان حضرت امیر(ع) آمده است.

بازخوانی نهج البلاغه به خوبی نشان می دهد که آن چه شیعه درباره تاریخ و هویت خود معتقد است، درست همان چیزی است که در این کتاب و از زبان حضرت امیر(ع) آمده است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی است که حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی نصیری، رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد و استاد حوزه و دانشگاه به مناسبت میلاد امام علی(ع) در مورد نهج البلاغه و جایگاه آن نوشته است:

ادیان و مکاتب را می توان به مثابه تئوری و ریاضی دانست که چگونگی تربیت فرد و جامعه را ارایه می کنند و برنامه و آموزه های آنها بر روی نگاشته و هایی انعکاس یافته است. یکی از معیارهای صحت و واقع بینانه بودن تئوری های یک دین و مکتب، امکان و بلکه تحقق آن برنامه در نمونه های عینی فردی و اجتماعی است. به عبارت روشن تر، زمانی یک دین و مکتب را در ارایه برنامه خود، می توان موفق ارزیابی کرد که بتواند الگوهای عینی فردی و اجتماعی ارایه کند.

به عنوان مثال افلاطون بر اساس تفکری که در کتاب جمهوری و ارایه کرد، بر این باور بود که می تواند مدینه فاضله پدید آورد و انسان های کاملی تربیت کند. او برای تحقق ایده خود دو بار به شهر سیراکوز و سیراکوزی ها یکی از شهرهای یونان باستان، مسافرت کرد تا آنچه در اندیشه داشت، در این شهر مجسد کند، اما به رغم کوشش های فراوان، توفیقی نیافت و به شهر خود آتن بازگشت.

تعالیم بودا بر اساس حقایق اصیل چهارگانه و شکل گرفته و برای آن طریق هشت می گانه پیشنهاد شده است. باید پرسید آیا میلیون ها نفر در شبه قاره و چین که پیرو آیین بودیزم هستند، احساس سعادت می کنند؟! آیا بودیزم چهره یا جامعه ای نمونه و سعادت مند به جهانیان عرضه کرده و توانسته است از درستی آموزه های خود دفاع کند؟!

مارکسیسم با تاکید بر اصالت اقتصاد و مالکیت اشتراکی و دولتی و با نفی مالکیت خصوصی، معتقد بود که می تواند سعادت فرد و اجتماع را تامین کند. امروزه که کمونیسم در بلوک شرق فرو پاشید و ناتوانی خود در ارایه نظام فکری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نشان داد، دیگر هیچ صاحب اندیشه ای به خود اجازه نمی دهد که از مارکسیسم دفاع کند.

در این بین، اسلام به عنوان دین کامل و جامع با ارایه جهان بینی و ایدئولوژی و منظومه ای کامل از نظام بینشی، ارزشی و کنشی معتقد است که می تواند آدمیان را در عالی ترین حد تربیت کند و به مقام انسان کامل و خلیفه الهی برساند و جامعه ای آرمانی و پر از عدالت و پاکی تحویل جهانیان دهد.

حال اگر کسی بپرسد چنین دین و برنامه کاملی در زندگی کدام انسان تجسد یافته و کدام فرد معتقد به اسلام، توانسته تصویری کامل از این دین را در زندگی خود ارایه کند، پاسخ چیست؟ باری، اسلام با تمام افتخار اعلام می کند که در نخستین مرتبه و مرحله باید از پیامبر اکرم(ص) یاد کرد که خداوند در قرآن از او با عنوان اسوه حسنه یاد کرده است و در مرحله بعد می توان از حضرت امیر و سایر ائمه(ع) نام برد که آموزه های اعتقادی و اخلاقی به صورت کامل و جامع در اندیشه و منش آنان تجلی و تجسد یافته و در مراحل پسین می توان از اصحاب و شاگردان پاک آنان همچون سلمان، ابوذر و مقداد یاد کرد.

با چنین تحلیلی، بازشناخت نهج البلاغه از آن جهت که می توان از آن به عنوان تجسّدی از آموزه های حیات بخش اسلام یاد کرد، اهمیت می یابد. به عبارت روشن تر، در نگریستن، مطالعه و مذاقه در این کتاب بیش از هر چیز دیگر انسان را متوجه پدید آورنده و صاحب این گفتار می سازد و از بلندای تفکر، جامعیت و استواری اندیشه او، پاکی و پیراستگی باطن، تقوا و خدا دوستی او، زهد و ریاضتش، اخلاق نیک، گذشت و صفای باطنش در

به عبارت روشن‌تر، همان گونه که خود حضرت امیر(ع) فرمود که انسان با سخن و گفتارش شناخته می‌شود، از رهگذر شناخت نهج البلاغه می‌توان به عظمت شخصیت صاحب آن پی برد و از این رهگذر این باور تقویت می‌گردد که آموزه‌ها و برنامه‌های انسان ساز اسلام، تنها در لابه لای کاغذ و نوشته حبس نشده، بلکه در زندگی اولیاء دین تبلور و تجسد یافته است.

سندی برای بازشناخت هویت تشیع و جایگاه امامت

شیعه خود را فرقه‌ای در کنار سایر فرق که از اسلام انشعاب یافته باشد، نمی‌داند، بلکه خود را عین اسلام و قرائت ناب و جامعی از آن می‌داند. شیعه معتقد است پیامبر اکرم(ص) از آغازین روز رسالت، استمرار رسالت با پدیده امامت و جانشینی حضرت امیر(ع) را مورد تأکید قرار داد و در تمام بیست و سه سال رسالت به صورت‌های گوناگون اهمیت و جایگاه امامت را به مسلمانان گوشزد کرد تا آن که در سال آخر حیات خود و در حجة الوداع به صورت رسمی و علنی و با حضور یکصد و بیست هزار مسلمان، از علی (ع) به عنوان ولی همه مسلمانان یاد کرد. بنابراین تاریخ ظهور تشیع با مولفه‌هایی همچون امامت، عصمت تخطئه خلفا با عصر رسالت گره خورده است.

از سویی دیگر، برخی از روی چهل یا غرض می‌گویند که شیعه توسط عبدالله بن سبا، مختار بن ابی عبیده ثقفی یا صفویه پدید آمده و باید تاریخ آن را به سالیانی پس از رسالت بازگرداند! برخی نیز مدعی‌اند که مولفه‌های تفکر شیعه منتسب به خود ائمه اهل بیت (ع) نیست و در دوران آنان سامان نگرفت، بلکه به صورت تدریجی و نهایتاً در سده چهارم توسط متکلمانی؛ همچون شیخ مفید یا محدثانی همچون ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق پدید آمده است!

بازخوانی نهج البلاغه به خوبی نشان می‌دهد که آن چه شیعه درباره تاریخ و هویت خود معتقد است، درست همان چیزی است که در این کتاب و از زبان حضرت امیر(ع) آمده است. اگر در گفتار حضرت امیر(ع) هویت شیعه و مولفه‌های آن مورد تأکید قرار گرفته باشد، دیگر معنا ندارد که کسی شبهه کند که شیعه دهه‌ها یا سده‌ها پس از رحلت رسول اکرم(ص)، توسط این و آن پدید آمده یا مولفه‌های فکری آن به تدریج در طول چند سده سامان یافت.

از سویی دیگر، مسأله امامت را باید مهم‌ترین وجه اختلاف شیعه و اهل سنت دانست که قرن‌ها آن‌ها را از هم جدا ساخته است. امامت از نگاه شیعه امری الهی، ملکوتی و آسمانی تلقی می‌گردد که وجود و استمرار آن منوط به اراده خداوند و نصّ پیامبر است، در حالی که امامت از نگاه اهل سنت، پدیده‌ای مملکی و زمینی تلقی می‌شود که بسان زمامداران جوامع مختلف، می‌تواند توسط مردم تعیین گردد.

بر اساس تفکر شیعه، امام جانشین پیامبر است و همه شئون پیامبری به استثنای دریافت وحی را برعهده دارد. او باید فردی معصوم، برترین فرد عصر خود در علم و معنویت، فاقد هر گونه عیب در بدن، مال و شخصیت اخلاقی و معصوم باشد.

دائرة علم امام افزون بر عرصه‌هایی همچون دین و شریعت شناسی، زمینه‌هایی همچون دانش بشری و علم غیب را در بر می‌گیرد. عصمت امام نیز دامنه‌ای وسیع را شامل می‌گردد که بر اساس آن امام بسان پیامبر(ص)، افزون بر مصونیت از تعدد در ترک گناهان کبیره و صغیره، باید از هر گونه خطا و اشتباه نیز مصون باشد.

از جمله شواهدی که می‌تواند جایگاه امامت را ترسیم کند، روایات صادر شده از اهل بیت(ع) است که آنان در آن‌ها سیمای علمی، اخلاقی و معنوی خود را به تصویر کشیده‌اند. اهمیت این مبحث آن گاه آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم، برخی از صاحب نظران جاهل و معاند مدعی‌اند که تعریفی که شیعه از مقام امامت ارائه کرده است، از پیش آنان بر ساخته شده و اهل بیت(ع) خود به برخورداری از چنین مقاماتی اذعان نداشته، بلکه گاه با آن‌ها به مخالفت برخاسته‌اند.

بازخوانی نهج البلاغه به عنوان متنی معتبر و مقبول که از زبان حضرت امیر(ع) تصویری جامع از منزلت و جایگاه امام ارائه شده، جایی برای این دست از شبهات باقی نمی‌گذارد.